روزنامه شرق
ویژه گچساران و باشت

کمبود منابع استانی را دلیلی بر تضییع حق گچساران نمی‌دانم

اگر چه متاسفانه در شرایط وفور منابع و اعتبارات افسانه‌ای دولت آقای احمدی نژاد این فرصت طلایی از کف استان و شهرستان رفته است ولی تلاش جهت اصلاح مسیر و بهبود اوضاع را می بایستی الزاماً جزو برنامه‌های خود قرار دهیم. سهم یک سوم از دو درصد نفت وگاز که الزاماً متعلق به مناطق نفت‌خیز می‌باشد متاسفانه سال‌ها کاملاً به شهرستان گچساران تعلق نمی‌گرفت و در سطح استان توزیع می‌گردید. اگرچه اعتقاد به افزایش اعتبارات استان دارم ولی کمبود منابع استان را دلیلی بر تضییع حق گچساران نمی‌دانم و برای اولین بار در سال ۹۲ سهم یک سوم از ۲ درصد نفت و گاز اختصاصاً به این شهرستان اختصاص یافت.

در شرایط وفور اعتبارات افسانه‌ای در دولت قبل؛

فرصت طلایی برای استان از دست رفت

تلاش در جهت ارتقای سطح مدیریتی فرزندان استان در کشور
تلاش در جهت ارتقای سطح مدیریتی فرزندان حوزه انتخابیه‌ام در استان
تلاش در جهت افزایش اعتبارات عمرانی استان و شهرستان‌های حوزه انتخابیه‌ام
برنامه محور کردن طرح‌های مهم حوزه انتخابیه‌ام
تلاش در جهت بهبود محیط زندگی شهروندانم
تلاش در جهت آینده بهتر برای حوزه انتخابیه‌ام به جای توجه ویژه به برنامه‌های صوری

بر این اساس برخی از طرح‌های عمده و محوری ارایه شده به مسوولان محلی در آغاز خدمتم در بخش‌های عمرانی، اجتماعی، فرهنگی به شرح زیر بود که در دوران وکالتم مورد توجه قرار گرفته است.

تسریع در اجرای طرح پتروشیمی گچساران/ بررسی وضعیت پالایشگاه گچساران
منطقه ویژه اقتصادی گچساران/ ماشین سازی پارس در گچساران
وضعیت اعتبارات عمرانی شهرستان گچساران و باشت/ فاضلاب دوگنبدان
بیمارستان‌های گچساران و باشت/ جاده‌های اصلی گچساران و باشت
گازرسانی به روستاهای باشت و گچساران/ اجرای برنامه‌های فرهنگی، ورزشی و توسعه و تعمیم ورزش در جامعه/ تعیین تکلیف اعتبارات ۲ درصد نفت و گاز
زیرساخت‌های شهری به ویژه زیر گذر گچساران/ بهسازی روستاها
آبرسانی به شهر دوگنبدان/ طرح انتقال آب به امامزاده جعفر
طرح سد شیو/ تکمیل طرح دشت لیشتر/ تقسیمات کشوری و رفع معارضات

اعتقاد دارم شایستگی فرزندان استان بیش از این بوده و متاسفانه به هر دلیلی در گذشته نتوانستیم به نحو مطلوب از این شایستگی استفاده کرد. در دولت جدید فرصتی فراهم گردید تا ضمن حفظ نیروهای ارزشمند و کارای منطقه در حد توان موجبات ارتقای دوستان عزیز بالاخص در بخش‌های اقتصادی فراهم گردد. ضرورتی به طرح نمادین و اساسی عزیزان نیست ولی ذکر ضرورت برداشتن هدف برای این منظور کمک به هدفگرا کردن این فعالیت می‌شود.

تلاش جهت مشارکت بیشتر نیروهای مستعد حوزه انتخابیه‌ام در استان

مشارکت در مدیریت می‌تواند موجبات تعلق خاطر بیشتر مردم به استان را به وجود آورد. داشتن نگرش حذفی و نیز انتزاعی به استان صرفاً موجب کاهش کارآمدی خواهد شد. پیش از این، بررسی اولیه نشان می‌داد نبود نیروهای کارآمد از حوزه انتخابیه‌ام در استان نه تنها تعلق خاطر را کمرنگ کرده بلکه موجب می‌گردد بعضاً حقوق مردم نادیده گرفته شود. آن بررسی نشان می‌داد تا قبل از تغییرات جدید مدیریتی در سطح مدیر کل، معاون مدیر کل در استان سهم شهرستان‌های گچساران و باشت بسیار ناچیز و حتی کمتر از نیروهای غیربومی باشد. فرزندان شایسته این حوزه که مورد قبول مدیریت کلان استان و جمع نمایندگان استان قرار گرفته است توانستند در چند سازمان و اداره کل مشغول به خدمت شوند که امیدوارم این عزیزان بتوانند شایستگی فرزندان گچساران و باشت را در مدیریت استان به اثبات رسانند. علی‌رغم عنایت قابل توجه به مدیران توانمند شهرستان‌های گچساران و باشت، قریب به ۳۵ مدیرکل و معاون در سطح استان از حوزه انتخابیه اینجانب به کار گرفته شده و سهم این منطقه نسبت به استان به رقمی حدود چهارده درصد رسیده که البته باز هم این رقم نسبت به شایستگی و وجود استعدادهای منطقه کم بوده اما این در شرایطی شکل گرفته که سهم حوزه انتخابیه اینجانب پیش از وکالت بنده حتی از مدیران غیربومی نیز کمتر بود(حدود ۸ درصد) و امیدوارم که در آینده بیشتر از پیش به نیروهای کارا و متعهد این حوزه اعتماد شود. (جدول۱)

افزایش اعتبارات عمرانی حوزه انتخابیه

اجازه می‌خواهم به دلیل اهمیت موضوع و اینکه اعتبارات عمرانی همیشه مورد توجه اذهان عموم قرار می‌گیرد به شکل مبسوط تری به این موضوع پرداخته شود. (جدول۲) بیانگر اعتبارات و سهم شهرستان‌های گچساران و باشت از اعتبارات عمرانی می‌باشد. اعتبارات عمرانی به دو طریق ملی و استانی تأمین می‌گردد. برای من قابل پذیرش نبود که چرا سهم اعتبارات عمرانی حوزه انتخابیه‌ام در استان و کشور اینچنین ناچیز و پایین باشد. اگر چه متاسفانه در شرایط وفور منابع و اعتبارات افسانه‌ای دولت آقای احمدی نژاد این فرصت طلایی از کف استان و شهرستان رفته است ولی تلاش جهت اصلاح مسیر و بهبود اوضاع را می بایستی الزاماً جزو برنامه‌های خود قرار دهیم.

سهم یک سوم از دو درصد نفت وگاز که الزاماً متعلق به مناطق نفت‌خیز می‌باشد متاسفانه سال‌ها کاملاً به شهرستان گچساران تعلق نمی‌گرفت و در سطح استان توزیع می‌گردید. اگرچه اعتقاد به افزایش اعتبارات استان دارم ولی کمبود منابع استان را دلیلی بر تضییع حق گچساران نمی‌دانم. به همین دلیل با توجیه مسوولان محلی و اصلاحات جزیی در قانون بودجه سال۱۳۹۲ این سهم حاصل گردید و برای اولین بار در سال۹۲ سهم یک سوم از دو درصد نفت و گاز علاوه بر تحقق سایر موارد اختصاصاً به این شهرستان اختصاص یافت. جدول۲ که نشان دهنده افزایش سهم استان است به این دلیل حاصل شد. از مجموع این حرکت و اصلاح شاخص‌های توزیع اعتبارات عمرانی استانی که با جلسات متعدد کارشناسی و مدیریتی در سطوح مختلف استان صورت گرفت سهم شهرستان‌های گچساران و باشت از ۱۷ درصد به حدود ۲۶ درصد در سال ۹۲ و ۲۹/۵ درصد در سال۹۳ افزایش یافت. اعتقاد دارم کاهش صورت گرفته شده در سنوات گذشته موجب گردید دستگاه‌های اجرایی استانی و شهرستانی فعالیت کمتری در شهرستان به عمل آورده و مردم از نعمت اعتبارات عمرانی بهره کمتری ببرند. (جدول۳)

این مضمون را می‌توانم در جلسات کارشناسی به اثبات رسانم که متاسفانه حتی اطلاعات و آمار و ارقام شهرستان‌های گچساران و باشت در شاخص‌های توزیع اعتبارات عمرانی استان به درستی گنجانده نشده بود. متاسفم از بیان اینکه مسوولان محترم شهرستان و استان از درج اطلاعات واقعی شهرستان‌های حوزه انتخابیه‌ام به عمد یا به سهو خودداری کرده و به همین منظور سهم این حوزه کم قلمداد می‌شد. صرفاً جهت استحضار چند شاخص این دو شهرستان که در جدول توزیع اعتبارات قبلی آورده شده بود به شرح زیر آورده می‌شود: سطح زیر کشت صیفی جات باشت و گچساران فقط ۱۰۰هکتار آورده شده بود، تعداد گلزار شهدا ساماندهی نشده در شهرستان فقط ۳ مزار بود، تمام راههای روستایی دو شهرستان آسفالت شده بود، شبکه آبرسانی روستاهای دو شهرستان کامل آمده بود، اعتبارات نگهداری یک هکتار جنگل (گچساران و باشت جنگل نداشت) برابر احداث یک هکتار باغ بود، در آمار گردشگران استان آمار گردشگران و زائران مرقد حضرت بی بی حکیمه(س) ثبت نمی‌شد، روستای بدون مرکز بهداشت نداشتیم و... آیا با این شاخص‌ها حق حوزه انتخابیه‌ام اداء می‌شد؟ به هر حال اصلاح این شاخصها که هنوز هم نیاز به اصلاح دارد موجب ارتقای سهم قریب به ۱۰درصدی حوزه انتخابیه شد. اصلاح این سهم با حضور موثر در جلسات کارشناسی و کمیته برنامه‌ریزی استان، تلاش مدیران محترم استان و مسوولان محترم و کارشناسان عزیز حاصل گردید.در بحث اعتبارات ملی نیز وضعیت بدتری بر شهرستان حاکم بود. اعتبارات ملی در شهرستان در قانون بودجه سال ۹۱ که اینجانب در زمان تصویب آن افتخار وکالت مردم را نداشتم بدون طرح سد چم شیر فقط حدود ۳میلیارد تومان بود. با تلاش صورت گرفته شده این اعتبار در قانون بودجه۹۳ به بیش از ۵۷ میلیارد تومان (بدون چم شیر) افزایش یافته است (بیش از ۱۷برابر) آنهم در شرایطی که اعتبارات ملی کشور کاهش یافته است. یقین دارم در صورت تداوم چند ساله این تامین اعتبار وضعیت شهرستان تغییر پیدا خواهد کرد. در ادامه این گزارش و به عنوان نمونه به برخی از طرحها اشاراتی می‌شود:

جدول۳ – جمع اعتبارات استانی گچساران و باشت نسبت به استان

اعتبار	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
کل استان	۲۷۲۹/۵	۲۳۲۳	۳۰۶۵	۲۳۱۰
جمع گچساران و باشت سهم گچساران و باشت	۴۶۷/۳	۵۲۸/۶	۸۱۳/۹	۶۸۲
نسبت به کل استان	٪۱۷/۱	٪۲۲/۷	٪۲۶/۵	٪۲۹/۵

جدول۱ – همکاری در جهت ارتقای سطح مدیریتی نیروهای مستعد حوزه انتخابیه

مدیر کل آموزش و پرورش استان	مدیر کل بیمه سلامت استان
مدیر کل آبفای شهری استان	دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان
مدیر کل جهاد کشاورزی استان	معاون دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
مدیر گمرک استان	معاون آب منطقه‌ای استان
مدیر کل دامپزشکی استان	مدیر اداری و مالی آب منطقه استان
مدیر کل اداری و مالی استانداری	معاون پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
مدیر کل امنیتی و انتظامی استانداری	معاون مخابرات استان
مدیر کل منابع انسانی استانداری	معاون اداره کل تعاون، کار و امور اجتماعی استان
مدیر کل امور روستایی و دهیاری‌های استانداری	معاون مالی و پشتیبانی شرکت آبفای شهری استان
مدیر کل تعاون، کار و امور اجتماعی استان	مدیر امور دانشجویی دانشگاه دولتی یاسوج
مدیر کنترل پروژه شرکت برق استان	مدیر مالی شرکت برق استان
مدیر زارعت (باغبانی) جهادکشاورزی استان	معاون برنامه‌ریزی استانداری
رییس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان	معاون سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی
مدیر بیمه پارسیان استان	معاون توسعه مدیریت و منابع اداره کل ورزش و جوانان استان
رییس اداره نگهداری راه‌ها	معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی آموزش و پرورش استان
رییس دبیرخانه شورای تأمین استان	رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه دولتی یاسوج
رییس فوریتهای پزشکی استان	معاون پیشگیری بهزیستی استان
مدیر حوزه ریاست دانشگاه پیام نور استان	

جدول ۲– عناوین و اعتبارات طرح‌های ملی حوزه شهرستان‌های گچساران و باشت (ارقام میلیارد ریال)

عنوان طرح	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
باند دوم بابا میدان گچساران	۹/۳۹۹	۱۰۶/۲۱۸	۱۴۰
آبرسانی به دوگنبدان	۰	۳۰	۳۴
بیمارستان گچساران (جدید)	۰	۷۰	۶۰
مجتمع دانشگاهی گچساران	۰	۱۵	۱۲/۶۵
بهسازی راه اصلی چهاربیشه امامزاده جعفر	۵/۳۶۲	۱۰	۱۰
فاضلاب دوگنبدان	۱۰/۹۳۲	۳۰	۱۲۰
آبرسانی به دشت امامزاده جعفر و ساماندهی رودخانه‌های باشت و دیل	۰	۲۵۰	۲۰۰
ساختمان سد و نیروگاه چم شیر	۱۶۴/۸۶۲	۱۱۶	۵۵/۵
کانالهای سد چم شیر	۱۰/۹۳۴	۴۶	۵۵۵/۶
جمع	۲۰۱/۴۸۹	۶۷۳/۲۱۸	۱۱۸۷/۷۵
جمع بدون سد چم شیر	۲۵/۶۹۳	۵۱۱/۲۱۸	۵۷۶/۶۵

آبرسانی به دشت امامزاده جعفر

این طرح با اعتباری حدود ۱۰۰ میلیارد تومان قریب به ۳۵۰۰ هکتار از زمین‌های پاکوه، ماهورباشت، سربیشه، بیدزرد، امامزاده جعفر، خربل و سر آببیز را تامین آب خواهد کرد. این طرح در زمان حضور اینجانب در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور آغاز و به هر دلیلی متوقف گردید. در سال۹۱ بدون داشتن ردیف مشخص و با درخواست اینجانب و مسوولان محترم وزارت نیرو، اولین اعتبار ۳۰۰ میلیون تومانی از محل ردیف‌های متمرکز وزارتخانه برای آغاز مجدد در طرح ابلاغ گردید و پس از آن در اعتبارات ملی (کمیسیون تلفیق سال۹۲) مبلغ ۲۵ میلیارد تومان برای این طرح گذاشته شد و در سال۹۳ مجدداً نیز ۲۰ میلیارد تومان گنجانده شده است. به ردیف منظور شده در طرح‌های ملی ساماندهی رودخانه‌های باشت و دیل نیز اضافه شد که انشاالله ضمن به ثمر رسیدن این طرح بسیار مهم شاهد ساماندهی این دو رودخانه نیز خواهیم بود. رودخانه‌ها یی که به مردم و کشاورزان باشت، برغون، گروس، سر آب بیز، دیل و منصور آباد خسارات بسیار زیادی وارد کرده است.

طرح فاضلاب دوگنبدان

از جمله طرح‌هایی که همواره مورد توجه اینجانب بوده و متاسفانه کمتر به آن اهمیت داده شده و نیمه تمام رها شده بود، طرح فاضلاب دوگنبدان است. این طرح صرفاً دارای اعتبار ۱/۷ میلیارد تومانی بود که در توزیع تخصیص هم بدلیل کج سلیقگی مسوولان آب و فاضلاب استان به فراموشی سپرده شده بود. این طرح در سال ۹۳ دارای اعتبار ۱۲ میلیارد تومانی می‌باشد که اگر مسوولان آبفا همت داشته باشند می‌توانند کارهای اصلی فاضلاب دوگنبدان را به اتمام برسانند. پروژه‌ها یی که اگر به روند گذشته جلو می‌رفت شاید کار اصلی آن تا ده سال آینده هم تأمین اعتبار نمی‌شد. بودجه سال ۹۳ نشان می‌دهد اعتبار فاضلاب دوگنبدان جزو ۱۰ طرح فاضلاب اصلی کشور می‌باشد (از حیث اعتبار).

جاده اصلی بابا میدان،گچساران، بهبهان

اعتبار این طرح از ۱/۵ به۱۰ و سپس به ۱۵میلیارد تومان افزایش پیدا کرد. هیچ طرحی در کشور دارای چنین رشدی در اعتبارات نبود. تمامی طرح‌های عمرانی کشور کاهش چشمگیر داشته و رشد قریب به ۱۰برابری از نکات برجسته تأمین اعتبار این طرح می‌باشد.

خوشبختانه مناقصه این طرح برگزار گردید و در اردیبهشت ۹۳ توسط معاون محترم وزیر راه و شهرسازی (جناب آقای علی نوری‌زاد) کلنگ زنی و این طرح در حال اجرا می‌باشد و می‌توانیم شاهد بهره‌برداری کامل آن تا دو راهی باشت و تا پایان سال۹۴ باشیم (انشاالله) .ذکر این نکته ضروریست از جمله موارد نادر که در سال ۹۲ به مناقصه رفت طرح کلاغ نشین تا باشت می‌باشد.

آبرسانی به شهر دوگنبدان

مردم شریف شهرستان گچساران شاهد افتتاح طرح آبرسانی به شهر دوگنبدان و روستاه‌های مجموعه لیشتر و خیر آباد در سال ۹۰ توسط وزیر محترم نیرو و سایر مسوولان کشور و استانی بودند. افتتاحی که حتی یک قطره آب به شهر دو گنبدان نرساند. متاسفانه این طرح در قانون بودجه بسته شده بود و طرح خاتمه یافته عنوان شده بود.

طرح دارای اشکالات فنی بود و بدون رفع نواقص امکانپذیر نبود. صاحبان فن می‌دانند گنجاندن مجدد یک طرح در قانون بودجه آنهم در شرایطی که طرح خاتمه یافته اعلام شده است سخت و تقریباً غیر ممکن است. در کمیسیون تلفیق سال۹۲ این طرح مجدد با اعتبار ۳ میلیارد تومانی گنجانده شد و در سال۹۳ نیز تکرار گردید. امیدوارم مردم شهر دو گنبدان و روستاه‌های لیشتر در سال۹۳ شاهد استفاده از آب سد کوثر پس از گذشت بیش از ۱۵ سال باشند و مسوولان بیش از این شرمنده این تاخیر طولانی نشوند.

طرح سد شیو

سد شیو از مهمترین سدهای منطقه است. سدی که در صورت آغاز و به بهره برداری رسیدن آن کل زمین‌های کشاورزی باشت تا گچساران آبی خواهد شد و پایداری تولید در منطقه بیشتر خواهد شد.

با پیگیری‌های ویژه که مستندات آن موجود است خوشبختانه پس از اخذ مجوز ۲۱۵ در سال۹۲ و درج آن در قانون بودجه، مناقصه بین‌المللی در پایان سال۹۲ برگزار، اعتبار ابلاغ و موافقتنامه مبادله گردید. یقین دارم با عنایت باریتعالی این طرح در آینده نزدیک آغاز و فرزندان و کشاورزان این حوزه از این طرح مهم بهره کامل خواهند برد. طرحی که منفعت آن برای گچساران و باشت دهها برابر منفعت سد کوثر و چم شیر خواهد بود.

راه آهن مشارکتی شیراز- اهواز

این طرح جزو آرزوهای منطقه جنوب می‌باشد که با همکاری نمایندگان محترم فارس و خوزستان مجوز ۲۱۵ در سال ۹۲ اخذ و طرح در جداول قانون بودجه سال ۹۲ گنجانده شده است. انتظار می‌رود با باز شدن فضای سرمایه گذاری شاهد آغاز پروژه به صورت مشارکتی نفت و وزارت راه در کشور باشیم.

از جوان برغونی تا پیرمرد روستانشین

امشب تب دارم و درد بدن؛ خانه ام گرم و امکانات کافی ولی تحمل دردم کم... پول هم دارم که به بیمارستان بروم اما چاره درد من بیمارستان رفتن نیست.

در نیمه‌های شب و در خلوت خود یاد جوان برغونی افتادم که چندی پیش به روستایشان رفته بودم و او سد راهم شد و از درد خواهرش و بی پولی برای درمانش می‌گفت. عصبانی بود و ناراحت؛ هر بار که به باشت و برغون رفته ام با من بحثش شده... از درد بیکاری و فقر، و امروز هم از درد و درمان خواهرش. من هم در جمع با او تندی کردم... سرش را پایین انداخت و چیزی نگفت. بعد از لحظاتی رو به او کردم و گفتم: هر زمانیکه خواستی خواهرت را برای درمان به شیراز ببری، بگو تا با بیمارستان تماس گرفته و سفارشی کنم که هزینه بیمارستان را کمتر کنند...

تا چند روز در فکرش بودم... چند نفر این جسارت را دارند تا جلوی نماینده شان را گرفته و خواسته شان را بی پرده بگویند؟ اصلا چند نفر می‌توانند تا نماینده شان را اینگونه و در یک روز آفتابی و بدون دغدغه در روستایشان ببینند؟

باز هم به فکر فرو می‌روم و با خود می‌گویم: حالا مساله درد دختر برغونی را حل کردی، مساله یا مشکل پسر و دختر گشین و دیل و مارین و لیشتر و باباکلان را چطور باید حل کنی؟ و اصولا رییس بیمارستان نمازی شیراز تا چند نفر از سفارشهای من را می‌تواند حل کند؟

آری، این درد کم شدنی نیست... روز به روز فقر و بیکاری مزمن نیز چون سرطان غول افکن درد مردم را فزونتر می‌کند!

باید برای این موضوع کاری کنیم. مملکت پول دارد ولی در دست ما نیست. بعضی‌ها مثل من شرایط مالی خوبی دارند، ولی بعضی نیز نان هم ندارند بخورند. آیا چون پول ندارند اگر مریض شوند باید بمیرند یا اصلا جرات نکنند به بیمارستان بروند؟!

روز قبلش هم در روستایی دیگر پیرمرد عزیزی را دیدم که عصا میزد. نزدیکش شدم و گفتم پاهایت چه شده؟(چند ماه پیش که به روستایشان آمده بودم او را سالم دیدم و اینبار حال مساعدی نداشت) پیرمرد با صدای ضعیفش گفت: زمین خورده ام و پایم ترک برداشته و طبیب محلی پایم را بسته تا خوب شود. رو به او گفتم: سن تو بالاست با طبیب محلی مساله ات حل نخواهد شد. و او نیز اینبار با صدایی لرزان در جوابم گفت: چرا؟ طبیب محلی بهتر از طبیب شهری کارش را بلد است... و اما من می‌دانستم که مشکلش چیست و این حرف را به چه خاطر بر زبان جاری ساخته... پیرمرد پول ندارد تا هزینه دکتر و بیمارستان کند... آخر کسی که من یکسال است که سفارشش را به بنیاد مسکن و کمیته امداد کرده ام و هنوز نتوانسته مشکل سقف خانه اش را حل کند تا در زمستان استخوان سوز این خطه در امان باشد، آیا چنین شخصی با این همه مشکلات می‌تواند راهی بیمارستان شود؟! قول دادم تا در تعمیر سقف خانه‌اش کمکش کنم، ولی درد پایش را چه کنم؟

نمی دانم... نمی‌دانم آن جوان برغونی با مشکل بیماری خواهرش چه کرد... احتمالا بیماری و درد خواهرش را مثل بقیه دردهایش در پستوی خانه مخفی کرده تا دوباره نخواهد به نماینده اش و آن هم در جمع رو بزند و درخواستی کند...

چند روزی روی این موضوع فکر کردم... پیش خود گفتم که این درد همه مردم ایران است. باید فکری کنیم و چاره‌ای بیابیم، چرا که ما نماینده مردمیم و وکالتشان را قبول کرده ایم و در محضر کتاب آسمانی قسم را بر زبان جاری کرده‌ایم تا در وظیفه‌مان کوتاهی نکنیم...

تا کی باید برویم از فلان نهاد و آن نهاد صدقه و بن بگیریم و به فقرا بدهیم و البته بعد نیز بگویند نماینده رشوه گرفته و از این قبیل حاشیه‌ها!

درد ما از چنین جاهایی شروع می‌شود که نماینده هم در این منجلاب گیر کرده و بدتر از آن اینکه کسی هم باور نمی‌کند و نخواهد کرد... مگر می‌شود نماینده‌ای یک میلیون بن گرفته باشد؟! حتما بقیه را نقدا گرفته و یا...

حرفها و درد دلها در این زمینه بسیار است... بگذریم؛

در این مدت فکری به ذهنم خطور کرد، و آن این بود: اکنون که فصل بودجه است کاری کنیم. چند روزی مجلس تعطیل است و قاعدتاً نماینده‌ها به حوزه‌های انتخابی شان می‌روند و یا به این بهانه به جاهای دیگر... و البته اگر من هم به حوزه انتخابیه‌ام بروم در نهایت ۱۰-۱۵ مراسم ختم می‌روم و دویست - سیصد نامه مردمی هم در کیفم گذاشته و با خود به تهران آورده تا به این و آن وزارتخانه ارجاع دهم و البته آن وزارتخانه هم جواب منفی بدهد و من هم دلم خوش باشد که کار مردم را انجام داده ام تا حداقل نگویند نماینده جواب نامه مان را نداد، و می‌گویند وزارتخانه‌ها با نماینده همکاری نمی‌کنند، و این چیزی است که ما نماینده‌ها یاد گرفته ایم بگوییم! اگردولت با خط فکری مان نباشد می‌گوییم مخالف دولتیم، و اگر خط فکری مان همجهت با دولت باشد می‌گوییم دولت معذب است که به خاطر حرف بقیه نماینده‌ها برای ما کار اختصاصی کند... با چند تن از همکاران عزیزم در مجلس که جزو افتخارات این مجلسند و مسوولان محترم وزارت بهداشت چند جلسه گذاشته و موضوع را بررسی کردیم. مطالعات دوستان اندیشمندم نشان می‌داد در بسیاری از کشورها مردم در درمان و سلامت همدیگر شریکند. به این موضوع که رسیدیم، یاد شعر زیبای سعدی شیرین سخن افتادم که فرموده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند — که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار

چرا من که پولدارم و روزانه خریدهای آنچنانی می‌کنم در درد دختر برغونی شریک نباشم؟ یا حتی بازه این موضوع را گسترده تر کنیم و بگوییم چرا شریک دردهای پیرزن سیستانی و پیرمرد اردبیلی و آن جوان کرد نباشیم؟

با مشورت دوستان، پیشنهادی تنظیم و به کمیسیونم دادم؛ مالیات بر ارزش افزوده یک درصد به اسم بیمه سلامت، راهش را به بالا طی کند. پولش را جمع کرده و با آن می‌شود کل جمعیت روستاهها و حتی شهرهای زیر بیست هزار نفر را بیمه کامل کرد. شاید با تعجب پرسیده شود که مگر چنین چیزی ممکن است؟! بله. اگر دولت همت کند می‌شود و حداقل یک بار سنگین از دوششان روی زمین گذاشته خواهد شد. اصلا شاید و باز شاید آن جوان برغونی اطلاعاتش در رابطه با مالیات کم باشد و شاید اصلاً نداند ارزش افزوده چیست و از کجا می‌آید. آری، او درد دارد و می‌گوید تو طبیب منی و باید چاره کنی.

وقتی با کمیسیونمان صحبت کردیم و پیشنهاد را دادیم، مثل همه آن چیزهایی که عاقلانه باشد به آن رای دادند. با رییس مجلس نیز در این ارتباط صحبت داشتم که ایشان نیز ابراز داشتند که این جزو آرزوهای من است که مجلس بتواند همه مردم ایران را بیمه کامل کند، و من نیز عرض کردم عالی است اما زمانبر خواهد بود...

نمی دانم در ادامه کار، کمیسیون تلفیق و صحن علنی این پیشنهاد را بپذیرد یا خیر، ولی می‌دانم که این خیلی بهتر از آن است که پولی به مردم بدهیم و بعد با تورم سنگین از جیبشان خارج کنیم.

باز فکرها به سراغم می‌آیند... پیش خود فکر می‌کنم کدام یک وظیفه نماینده است؟ با غم مردم گریه کنیم یا برای دردشان چاره بجوییم؟

هنوز هم خیلی‌ها نشسته‌اند بر غم مردم و گریه کردن را ارجح می‌دانند. ولی من می‌گویم مردم با گریه من دردشان کم نخواهد شد.

باید علاج کرد. مگر امشب که من درد دارم اگر همسایه ام کنارم بنشیند درد من خوب خواهد شد؟ باید چاره و چاره‌ها جست.

حیف مردم ایران زمین است که در این همه نعمت خدادادی فقیر باشند و اگر بچه‌هایشان مریض شوند نتوانند به بیمارستان ببرند.

خدا از ما نگذرد اگر بخواهیم لحظه‌ای از فکرشان غافل بنشینیم.

از همین جا از همان جوان برغونی که صدایم را بر او بلند کردم و هزاران جوان دیگر و پیرمردها و پیرزنهای دل شکسته‌ای که یارای رفتن به بیمارستان را ندارند عذر می‌خواهم و امیدوارم مرا به سهم خویش ببخشایند و دعا کنند تا بتوانیم کاری کنیم...

برغون: یکی از روستاهای شهرستان باشت – استان کهگیلویه و بویراحمد– می‌باشد.